

۱۸۳

## نظریه توزیع اسلامی ثروت و درآمد و عملکرد اقتصاد ایران

دکتر حسین عیوضلو\*\* - محمد شوال پور\*\*

### چکیده

بررسی ساختار توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی موضوع بررسی این مقاله است و نویسندگان مقاله بر اساس چهارچوبی که از شریعت و فقه اسلامی استنباط کرده اند به معرفی نظریه توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی پرداخته اند و امکان ایجاد توزیع عادلانه توأم با نظام بازار و چرخش آزاد اطلاعات و شکل گیری قیمت های عادلانه را مورد توجه قرار داده اند. در بخش دوم مقاله چهارچوب نظریه توزیع اسلامی ثروت و درآمد با استفاده از قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی و بهره گیری از شاخص های قابل بررسی با واقعیت اقتصاد ایران تطبیق داده شده و چنین نتیجه گیری شده است که اگر چه در دوره بعد از انقلاب اسلامی در ایران اقدامات مؤثری در جهت برخورداری عمومی از امکانات و فرصت های عمومی نظیر آموزش، بهداشت و سطح بهره مندی از کالاها و - و توجه به اقشار کم درآمد به عمل آمده است اما عدم توجه به معیار کارایی و عدم استفاده بهینه از منابع و امکانات باعث کاهش بهره وری نیروی کار و سرمایه در ایران یا عدم افزایش آن گردیده و این امر امکان افزایش ثروت ملی و درآمد سرانه واقعی و بهبود شاخص رفاه را تحت تأثیر قرار داده و با اتلاف منابع ملی روبرو بوده است که این امر خود آثار تبعی دیگری از جمله افزایش بیکاری و گسترش فقر را به دنبال دارد.

\*\* استادیار اقتصاد - عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)

\*\* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد - دانشگاه امام صادق(ع)

## ۱- مقدمه و روش شناسی

توزیع ثروت و درآمد زمانی اسلامی تلقی می شود که با شریعت حقه اسلام باشد اما نکته مهم درک و تبیین ساختار و مکانیسم توزیع ثروت و درآمد در یک سیستم اسلامی است. چنین ساختار و مکانیسمی به روشنی و به زبان علمی در متون و مستندات اسلامی ذکر نگردیده و اساساً پیامبر گرامی اسلام و ائمه علیهم السلام و رهبران اسلامی به دنبال تبیین چنین ساختاری- آنچنان که امروزه مرسوم است- نبوده اند. اما آنچه ذکر کرده اند مشتمل بر بیان برخی اصول اعتقادی و حقوقی و یا نحوه رفتار مطلوب و نتایج آن است که می تواند مورد استفاده اقتصاددانان اسلامی باشد تا بر اساس آن بتواند به بیان چنین ساختار و مکانیسمی، مطابق آنچه متداول است، بپردازد. اهمیت این کار زمانی مشخص می شود که بخواهیم در مورد ساختار و مکانیسم توزیع در نظامهای اقتصادی معاصر و میزان انطباق رفتار فعلی مسلمانان با شریعت اسلام داوری و قضاوت کنیم. به همین منظور قبل از همه لازم است ساختار و مکانیسم مطلوب رفتار اقتصادی در یک نظام مطلوب اسلامی را درک کرده و آن را معرفی کنیم. از آنجا که هر نوع تبیین در این زمینه به شریعت حقه اسلام منتسب می گردد و احتمال خطا در درک این مهم وجود دارد، لذا این بیان جنبه نظری دارد.

قید «اسلامی» در عبارت، نظریه توزیع اسلامی ثروت و درآمد به جنبه نظری اینگونه تبیین ها اشاره دارد. البته «بیان» های اولیه حالت «فرضیه» ای دارند و چنانچه بر مبنای روشهای معتبر علمی یا اجتهادی اثبات شوند به عنوان «نظریه» تلقی خواهند شد.

«سیستم» یا «نظام» مجموعه ای از اجزای مرتبط به هم است که هدف خاصی را نتیجه می دهد. بر اساس این تعریف نظام توزیع اسلامی ثروت و درآمد سیستمی مرکب از اجزا، روابط و اهداف است و هر یک از ۳ رکن این نظام همگی از متون و مستندات اسلامی استخراج می شوند. اما باید توجه داشت صرف تهیه و تنظیم این سه رکن لزوماً ساختار و مکانیسم منسجمی را نتیجه نمی دهد و به همین جهت ضروری است تا سازگاری و انسجام ارکان آن اثبات شود. این مهم زمانی حاصل می شود که به طور معتبر اثبات شود که اجزا و روابط این سیستم ضرورتاً اهداف مورد نظر را نتیجه می دهند.

با توجه به آنچه گذشت، منظور از الگوی نظری تاریخ اسلامی ثروت و درآمد معرفی سیستم جامعی مرکب از اجزا، روابط و اهداف ویژه ای است که: اولاً، اسلامی باشند.

ثانیاً، با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند، یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد.

ثالثاً، امکان تجزیه و تحلیل پدیده ها و رفتار متعارف اقتصادی و داوری درباره واقعهتها و عینیت های اقتصادی را فراهم سازند.

در این مقاله به نکات اساسی این الگو اشاره شده و در مرحله بعد به منظور بررسی آن با واقعیت های اقتصادی جامعه ما از شاخصه های عدالت اقتصادی به عنوان معیارهای نشاندهنده توزیع مطلوب استفاده شده است: هدف اصلی این مقاله نشان دادن مراحل تهیه و تدوین نظریه و پیشنهاد روش انطباق است و امکان طرح مباحث گسترده در این مجال میسر نیست.

### ساختار و مکانیسم توزیع اسلامی ثروت و درآمد

ساختار توزیع ثروت و درآمد در یک سیستم اسلامی در سه رتبه یا مرحله قابل بررسی است: توزیع قبل از تولید، توزیع کارکردی و توزیع مجدد.

#### ۱-۲- توزیع قبل از تولید

بحث اصلی در نظریه توزیع قبل از تولید نحوه تملک ثروتها و منابع طبیعی است که از دیدگاه اسلامی به چهار طریق: مالکیت امام (دولت اسلامی) بر انفال؛ مالکیت عموم مسلمین بر ثروتهایی که اولاً ملک کسی نیستند و ثانیاً به مسلمین اختصاص دارند (مانند اراضی مفتوح العنوه و اراضی صلحی)؛ مالکیت عمومی (همگانی) بر خیرات و منافی از طبیعت (از قبیل مباحات اصلی: آب، آتش و مرتع) که خداوند استفاده و بهره برداری از آنها را برای عموم مردم قرار داده تا هر کس به قدر نیاز از آنها استفاده کند، و بر منافع مشترک (از قبیل: جاده ها، خیابانها و...)؛ و مالکیت خصوصی از طریق احیای اراضی تحت مشمول مالکیت دولت اسلامی و حیازت مباحات صورت می پذیرد<sup>۱</sup>

اسلام مالکیت خصوصی مباحات عمومی را با کار متناسب و لازم برای حیازت آنها قانونی دانسته است. مثلاً برای حیازت پرنده، کار متناسب و لازم آن، «صید»؛ برای حیازت هیزم، «هیزم کشی»؛ برای حیازت لؤلؤ و مرجان، «غواصی»، و برای حیازت قوه الکتریسته آبشارها، نصب و استفاده از توربین و... می باشد.<sup>۲</sup>

با مطالعه متون و مستندات اسلامی می توان دو حکم کلی زیر را برداشت نمود:

۱- فرد به دلیل کار بر روی منابع طبیعی<sup>۳</sup> مالک محصول کار خویش است.

منظور از «کار» در اینجا فراهم ساختن شرایط و امکانات بهره برداری از طبیعت است. اقدام به بهره برداری از هر ثروت طبیعی موجب پیدایش حقی برای عامل می گردد که بر اساس آن تا زمانی که بهره برداری ادامه یابد دیگران مجاز نیستند برای او مزاحمتی ایجاد کنند.

-1

-2

-3

البته باید توجه داشت تصرف اراضی تحت شمول مالکیت دولت اسلامی و بهره برداری از ثروتهای طبیعی از جمله احیای موات منوط به اجازه امام و حاکم اسلامی (ولی فقیه در زمان حاضر) است. البته در این زمینه اصل بر این است که امامان ما اجازه کلی عمران و آبادانی زمین موات را به عموم مردم داده اند. این اصل بر مبنای روایات زیادی از جمله روایت معروف «من أحيى أرضاً مواتاً فهي له» نتیجه گیری شده است. در هر حال شرایط بهره برداری از این منابع منوط به استفاده مفید و غیر انحصاری از آنها است:

- منظور از کار مفید کاری است که به امر تولید کمک کند و یا جریان توزیع را به نحوی قرار دهد که در جهت رفع نیازهای واقعی جامعه باشد و در رشد فردی و اجتماعی مؤثر باشد.

- در بهره برداری از زمین آباد طبیعی هر فرد فقط مالک محصول کار خویش است و مالک رقبه زمین نمی شود.

- استفاده از منبع طبیعی زمانی به یک فرد اختصاص می یابد که امکان بهره برداری همزمان برای دیگران وجود داشته باشد.

مثلاً در مورد استخراج آب چشمه و بهره برداری از آن برای احیا کننده آن حکم بر این است که وی باید به اندازه نیاز خود از آن بهره برداری کند و نمی تواند دیگران را از استفاده آن منع نماید.

- استفاده غیر عاقلانه و شفیخانه از اموال و ثروتها به ویژه ثروتها و اموال عمومی ممنوع است. در آیه ۵ سوره نساء به صراحت آمده است که: «ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً» بر اساس این آیه اموال باید موجب قوام و پایداری و بر پایی افراد جامعه شود.

- در روایات مختلف اسلامی بر لزوم عمران و آبادانی زمین تاکید شده است که در اثر آن پایداری جوامع تضمین می گردد.

امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر سلام الله علیه فرموده اند: «ولیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من استجلاب الخراج فان ذلک لایدرك الا لاجله، و من طلب الخراج بغیر العماره اخرج البلاد و اهلک العباد و لم یستقم أمره الا قليلاً» یعنی (توجه تو به عمران و آبادانی زمین باید بیش از گرفتن خراج از مردم باشد زیرا خراج جز از راه عمران و آبادانی حاصل نمی شود و کارگزاران حکومتی که بدون عمارت و آبادانی به دنبال گرفتن خراج از مردم باشند باعث نابودی سرزمین ها و هلاکت بندگان خدا می شوند و حکومتشان دوام چندانی نخواهد داشت.

چنانچه دقت شود در این روایت به رابطه میان عمران و آبادانی و پایداری ملتها و جوامع و حکومتها تاکید واقع شده است.

نکته مهمتر در بهره برداری از اموال و ثروتها و شرایط تملک شرعی آن است که:

اولاً- اموال متعلق به خداست (المال مال الله)

ثانیاً- رابطه انسان با اموال الهی و نعمت های او به صورت تصرف امانتی است (یصنعه ودائع عند خلقه)<sup>۹</sup>

ثالثاً- بنابراین، رابطه مالکیت یک رابطه مستقل نیست بلکه باید مشروع باشد. بر این مبنا مالکیت به جز از طرق شرعی تحقق نمی یابد و تصرف در غیر این موارد تصرف حرام تلقی می شود.

بر اساس شرایط فوق که اشاره شد، برداشت های مختلفی را می توان درباره نحوه تصرف دولت اسلامی در اموال و داراییهای عمومی مطرح ساخت از جمله اینکه:

۱- هر گونه تصرف و بهره برداری یا تشخیص مصلحت دولت نمی تواند بهره برداری غیر عاقلانه و در غیر موضع «قوم» اقتصادی جامعه را توجیه کند و گرنه شرایط مالکیت شرعی تحقق نخواهد یافت.

۲- دولت اسلامی به عنوان نماینده مردم و شریعت موظف به رعایت شرایط مالکیت شرعی و نفع مردم در داراییهای عمومی است

۳- در عین حال دولت می تواند بخشی از داراییهای عمومی اجتماعی را به منظور حفظ تعادل جامعه و یا استفاده های خاص که نفع عمومی در آن وجود دارد «حماء» نماید. از جمله این موارد می توان به حمای زمینهای خاص اشاره کرد که در طی تمدن اسلامی و از سوی خلفا برای اسب ها و شترهای ارتش و رمه های فقرا و افراد نیازمند اختصاص داده شده است.

۴- منظور از نفع عموم مردم یا مصلحت آنان، صرفاً مصلحت و نفع نسل خاصی نیست بلکه از آنجا که اموال و داراییهای طبیعی به همه نسلها تعلق دارد، دولت اسلامی موظف است نفع تمامی نسل ها را در بهره برداری از منابع طبیعی رعایت نماید

## ۲-۲- توزیع کارکردی (Functional distribution)

در نظریه توزیع کارکردی، نحوه سهم بری عوامل تولید از نتایج فعالیت اقتصادی مورد بحث قرار می گیرد. مبانی فقهی و حقوقی این نظریه را می توان مطابق روشی که شهید مرحوم آیت ا... محمد باقر صدر استفاده کرده اند- از فتاوی فقهی استخراج نمود علاوه بر این بررسی رویه اسلامی و رفتار پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار و رهبران اسلامی در این زمینه نیز می تواند در استخراج این مبانی مفید واقع شود:

### ۱-۲-۲- مبانی فقهی (حقوقی)

از بررسی فتاوی فقهای بزرگوار اسلام<sup>۱۰</sup> می توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱- وکالت در حیازت منابع طبیعی (نظیر: جمع آوری هیزم از جنگل، صید، چیدن علوفه و غیره) و سایر اقسام کار بر روی منابع طبیعی (مثل موات) پذیرفته نیست و

محصول حاصله از آن کسی است که کار از طریق او انجام شده است (این حکم بویژه به جهت جلوگیری از استفاده های غیر ضروری و انحصاری بسیار مؤثر است).

۲- مالک ماده اولیه مالک کل محصول است و مالک ابزار تولید فقط مستحق اجره المثل است.

۳- از طریق قرار دادهای شرعی و بر اساس ترکیب کار و سرمایه و یا انواع دیگر شرکت می توان در محصول و درآمد حاصل مشارکت نمود.

۴- درآمد عوامل بر اساس کار و ایجاد ارزش افزوده به دست می آید. بنابراین درآمدی که به کار مستقیم مثل کار کارگر یا منفصل نظیر کار ذخیره شده در ابزار تولید و جز آن مبتنی نباشد ممنوع و غیر قانونی است.

در تعیین سهم بری عوامل یا طرفین قرار داد، «اصل ثبات مالکیت» و همینطور اصل «تبعیت نماء از اصل» اهمیت و نقش اساس دارند: به این معنا که هر گونه رشد و نمو در اصل مال بوجود آید از آن صاحب مال است. به همین جهت است که مالکیت بذر و نهال، مالکیت زراعت و درخت حاصل از آن ها را به دنبال دارد و به همین ترتیب افزایش قیمت مبادلاتی کالا که بر اثر کار و ایجاد کیفیت و صورت جدید به وجود آمده است تابع مالکیت همان کالا است، یعنی مالک کالا مالک افزایش قیمت مبادلاتی آن کالا نیز هست. این اصول در موارد زیر کاربرد دارند:

الف- سهم بری مواد خام طبیعی از تولید

ب- مشارکت سرمایه یا دارایی مالی عامل در تولید بر اساس عقود مضاربه، شرکت، مساقات و...

ج- استمرار مالکیت فرد به ارزش افزوده ایجاد شده در کالا

د- عدم تعلق مازاد حاصله در مال قرض داده شده به قرض دهنده<sup>۷</sup>

## ۲-۲-۲- رویه اسلامی

مجموعه روایاتی که درباره بازار مسلمین و آداب تجارت وارد شده<sup>۸</sup> و همچنین رویه پیامبر گرامی اسلام، و امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه شاهد بر این مدعا است که نظام بازار در تمدن اسلامی بر پایه مبانی فقهی، حقوقی و اخلاقی اسلام شکل گرفته است و استفرار این مبانی و موازین اسلامی در بازارها همواره مورد تأکید رهبران اسلامی بوده است و بر حسن اجرای آن نظارت داشته اند. علاوه بر اینها، عملکرد انسان مؤمن که این مبانی اعتقادی و حقوقی را در رفتار خود نهادینه کرده دارای آثار و پیامدهای ویژه ای است که در اثر آنها افزایش قیمت مبادلاتی کالاها تابعی از رضایت طرفین بازار است. در این شرایط است که قیمت تعادلی می تواند بیانگر شایستگی افراد باشد تا ارزش افزوده حاصله مشروع تلقی شود.

ممنوعیت «تلقی ربکان»<sup>۹</sup> از سوی پیامبر گرامی اسلامی حاکی از آگاهی آن حضرت از شرایط عادلانه بازار می باشد و همچنین عدم تعیین قیمت کالا در بازار از سوی آن حضرت و جانشینان بر حقتش و تعیین انواع اختیارات (حق نسخ قرارداد) از طرف آنان جملگی حاکی از تأیید بازار رقابتی و شرایط عادلانه بازار از سوی آنان است.

### ۳-۲-۲- قیمت گذاری عوامل تولید و کالاهای و خدمات

از آنجا که محور اصلی در توزیع ثروت و درآمد اسلامی «عدالت» است و مهمترین جنبه عدالت از دیدگاه اسلامی صحت مالکیت و داشتن استحقاق است در خصوص توزیع کارکردی مهمترین معیار لزوم هماهنگی میان درآمد و محصول هر عامل با ارزش افزوده حاصل شده از سوی آن می باشد.<sup>۱۰</sup> بنابراین از دیدگاه اسلامی از این اصل مهم حمایت می شود که «محصول تلاش هر کس باید به خود او باز گردد». در این چهار چوب مکتبی هر کار نیکو و شایسته ای پاداش متناسب با آن را دارد (انالا نضیع اجر من احسن عملاً) (کهف/۳۰) و بی ارزش کردن اشیاء و حاصل کار آنان ایجاد فساد در روی زمین تلقی گردیده است (ولا تبخسوا الناس اشیائهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین) (هود/۸۵). از سوی دیگر تکالیف و رنج و زحمتی که به کسی تحمیل می شود باید با حق و بهره و نصیب او متناسب باشد، نه این که یکی مکلف باشد و دیگری حق و بهره را ببرد (من له الغنم فعليه الفرم) (یعنی هر کس که بهره و استفاده چیزی به او تعلق می گیرد خسارت و مخارج آن نیز بر عهده اوست).

نکته مهم دیگر رعایت انصاف در قیمت گذاری است و این در شرایطی حاصل می شود که میان طرفین مبادله یا قرارداد اقتصادی (متعاقدين) رضایت (حقیقی) برقرار باشد و هر گونه درآمدی که با این مینا سازگاری نداشته باشد خوردن مال باطل (اکل مال به باطل) تلقی می شود که در اثر آن تعادل اقتصادی و اجتماعی جامعه مختل می شود (ولا تاكلوا اموالکم. بینکم بالباطل إلا ان تکون تجاره عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم) (نساء/۲۹).

بر اساس توجیهاات فقهی و حقوقی که اشاره شد می توان چنین نتیجه گرفت که از دیدگاه اسلامی چارچوب فعالیت اقتصادی بر اساس حق و عدل شکل می گیرد و گرنه فعالیت اقتصادی مشروع نخواهد بود و درآمد حاصل «اکل مال به باطل» تلقی می گردد که استمرار آن به هلاکت جامعه و نابودی آن خواهد انجامید. در عین حال سیستم اسلامی از نهاد بازار و قیمت گذاری بر اساس فرایند بازار حمایت کرده و دستور می دهد که مبادلات باید بر اساس اطلاعات صحیح و دقیق و در شرایط سالم و به دور از تقلب، حیل و کلاهبرداری باشد. علاوه بر این روند قیمت گذاری بر اساس انصاف و ارزیابی زحمات و تلاشهای تولید کنندگان شکل می گیرد تا هرکس متناسب با شایستگی که دارد از تولید سهم ببرد. با توجه به مبانی فوق تفاوت چندانی میان قیمت

گذاری در سیستم اقتصاد آزاد و اقتصاد اسلامی وجود ندارد، جز اینکه به حق مال و همچنین حق دارند. آن توجه بیشتری به عمل آمده است. علاوه بر این قیمت ها بر اساس تصمیمات منصفانه خریداران و فروشندگان شکل می گیرد. و به همین جهت صرفاً نمی توان به «آنچه که بازار تعیین می کند» اکتفا نمود و آن را مشروع دانست بلکه باید به «آنچه که قیمت های بازار را ایجاد می کند» نیز توجه داشت.

عوامل تولید در اقتصاد اسلامی را می توان به ۳ قسمت: نیروی انسانی، دارائیهای فیزیکی و دارائیهای مالی تقسیم نمود. قیمت نیروی انسانی به شکل دستمزد یا دستمزد بعلاوه سهمی از سود (و یا سود در خصوص عامل مدیریت)؛ و قیمت دارائیهای فیزیکی به صورت اجاره، و قیمت دارائیهای مالی به شیوه سهم سود یا مبلغ درآمد معین یا نرخ سود ثابت تعیین می گردد. در هر حال قیمت عادلانه قیمتی است که درآمد حاصل برای هر عامل تولید را با ارزش افزوده ای که در تولید ایجاد کرده است برابر می سازد. این برابری را می توان بر اساس برابری قیمت با ارزش تولید نهایی یا ارزش افزوده ایجاد شده توسط هر عامل نشان داد. البته بازدهی نهایی هر عامل تحت تأثیر تعداد یا مقدار آن عامل است و لذا در عمل نمی توان مثلاً میان کارگر اول یا کارگر ششم تفاوتی قائل شد، مگر اینکه لیاقت و شایستگی یکی بر دیگری به نحو بارزی معین شود.

با توجه به مباحث یادشده می توان روابط زیر را نوشت:

الف: قیمت نیروی کار (نرخ دستمزد)

$$W_1 = P_c \cdot MP_L = VMP_L \quad (1)$$

$$W_2 = W_1 + \alpha \pi_j \quad (2)$$

قیمت نیروی کار یعنی دستمزد بر اساس دو روش: ارزش بازدهی نهایی نیروی کار (VMP<sub>L</sub>) یا ارزش بازدهی نیروی کار به شکل دستمزد قطعی بعلاوه درصدی از سود فعالیت اقتصادی تعیین می گردد. مشارکت کارگران در سود فعالیت اقتصادی همواره نمی تواند موجه تلقی شود بلکه در شرایط رونق توجیه بیشتری دارد، اما در شرایط رکودی نفع کارگران در دریافت دستمزد معین از قبل تعیین شده است

### ب- نرخ اجاره

بر حسب خدماتی که دارائیهای یا سرمایه های فیزیکی ارائه می کنند و ارزیابی که طرفین معامله از استهلاك این سرمایه ها دارند می توان روابط زیر را مطرح کرد:

$$r_A = P_c \cdot MP_{A1} = VMP_{A1} \quad (3)$$

در این معادله A<sub>1</sub> معرف دارائیهای فیزیکی و Γ نشان دهنده نرخ اجاره است و بر اساس این معادله نرخ اجاره سرمایه فیزیکی با ارزش بازدهی نمایی آن برابر گردیده است. از سوی دیگر ارزیابی صاحبان دارایی فیزیکی از هزینه دارایی که دارند به درصد استهلاك دارایی فیزیکی و به هزینه فرصت از دست رفته آن دارایی بستگی دارد. به این معنا که وی بر اساس بر آوردی که از عواید به کارگیری دارایی خود در فعالیت تولیدی



و یا خدماتی دارد را کد ماندن دارایی خود را به عنوان هزینه فرصت تلقی می کند. بر این مبنا چنانچه درصد استهلاک دارایی فیزیکی را به  $d$  و هزینه فرصت سرمایه فیزیکی را با  $\gamma$  و قیمت اولیه دارایی را با  $P_C$  نمایش دهیم، هزینه اقتصادی این دارایی برای فرد  $i$  (دارنده آن) را می توان چنین نشان داد:

$$TC_i = d \cdot P_C + \gamma \cdot P_C = P_C (d + \gamma) \quad (4)$$

قیمت بر آورده شده دارایی فیزیکی در تعادل با ارزش حاصل از آن برای استفاده کننده این دارایی برابر خواهد بود. در نتیجه چنانچه ارزش خدمات حاصل را به عنوان نرخ اجاره  $r_{AI}$  تعریف کنیم خواهیم داشت:

$$r_{AI} = P_C (d = \gamma) \quad (5)$$

بر اساس معادله (۵) واضح است که اگر قیمت دارایی فیزیکی فرد  $i$  تا کمتر از  $r_{AI}$  تعیین شود وی این عامل را عرضه نخواهد کرد.

### ج - نرخ بازدهی دارائیهای مالی

در اقتصاد اسلامی دارائیهای مالی یا وجوه سرمایه گذاری همانند پول نقد زمانی عایدی خواهند داشت که بر اساس عقود شرعی اسلامی در فعالیت مشروع اقتصادی به کار گرفته شوند. برخی از عقود اسلامی نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و تنزیل دارای نرخ بازده ثابت می باشند که بر اساس ارزیابی کالاهای مورد معامله و انتظارات طرفین تعیین می شوند. برخی دیگر از عقود همانند مضاربه و مشارکت بر اساس سهم از قبل تعیین شده منعقد می شوند و لذا دارای سود ثابت نیستند. برخی دیگر از عقود نظیر جعاله دارای مبلغ درآمد ثابت از قبل تعیین شده هستند.

نکات مهم اقتصادی در تحلیل قیمت گذاری دارائیهای مالی این است که:

- ۱- اولاً تعیین نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تعیین شده است ربا تلقی می شود و هیچگونه بازدهی به آن تعلق نمی گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می شود و حرام است
- ۲- در عین حال دارنده مالی انتظار مالی انتظار دارد در ازای منابعی که سرمایه گذاری می کند و این سرمایه گذاری زمان بر است، بازگشت حقیقی عادلانه‌ای را در آینده دریافت نماید. این درآمد به عنوان «درآمد سرمایه» یا «بهره طبیعی» خوانده می شود و نباید با «ربا» یکی گرفته شود.<sup>۱۱</sup>

اطمینان سرمایه گذار به بازگشت حقیقی عادلانه او در آینده به چارچوب نهادی اقتصاد و استحکام قراردادهای اجتماعی مرتبط است که در اثر آن امکان سرمایه گذاری در افق بلند مدت در اقتصاد حاصل می گردد و گرنه معاملات اقتصادی در افق کوتاه مدت و فعالیت‌های تجاری جریان خواهد یافت. این مقدار عواید انتظاری در ادبیات اقتصادی با عنوان «درآمد انتظاری سرمایه» یا «بهره طبیعی» نامیده می شود که میان حال

و آینده رابطه برقرار کرده و به عنوان قیمت بین زمانی سرمایه تعادل پایدار اقتصاد کلان را تضمین می نماید. این «بهره طبیعی» به هیچوجه با بهره تعریف شده به عنوان ربا (مورد ۱) همخوانی ندارد. بهره تعریف شده در خصوص عقد قرض به عنوان درآمد ربوی شناخته می شود و حرام است اما بهره طبیعی هر چند می تواند به عنوان مبنای تصمیم گیری اقتصادی در خصوص تعیین قیمت کالاها و خدمات و عوامل تولید و حتی درصد سهم بری از سود در عقود مشارکتی تعریف شود اما موضوع قرار داد نیست و قراردادها در اقتصاد اسلامی بر پایه تعاریف حقوقی و فقهی مربوط انجام می پذیرد. به همین جهت تحلیل اثرات نرخ بهره طبیعی در اقتصاد و مبنای قرار گرفتن آن در تحلیل قیمت های تعادلی منافاتی با چارچوب نظریه های اقتصاد اسلامی ندارد.

برخی از اقتصاددانان از این نرخ به عنوان «نرخ نسبه» یاد کرده اند که حاکی از رجحان زمانی است<sup>۱۲</sup> و با نرخ بهره موضوع قراردادهای ربوی متفاوت است. نکته مهم در اینجا آن است که تعیین هر گونه نرخ بازده یا قیمت اگر با قیمت های تعادلی تضمین کننده پایداری اقتصاد منافات داشته باشد از دیدگاه اسلامی باید مصداق نرخ گزاف و غیر منصفانه و اکل مال به باطل تلقی شود و گرنه نمی توان از قیمت عادلانه یا قیمت طبیعی و منصفانه سخن گفت.

۳- برای پول نیز می توان قیمت سایه ای در نظر گرفت، قیمت سایه ای نرخ بازده بالقوه ای است که از طریق به کارگیری آن به عنوان سرمایه نقدی در قراردادهای مشروع اسلامی قابل حصول است. براین اساس، دارنده پول به عنوان کسی که حق مال خود را باید ادا کند، موظف است که به کاربردهای جایگزین پول خود توجه داشته باشد و از اتلاف یا به کارگیری آن در موارد کم بازده خودداری کند مگر اینکه توجیه قوی تری به عنوان منافع اجتماعی یا منافع انتظاری در آینده ارائه کند.

بر اساس توضیحات فوق می توان نرخ بازدهی انتظاری حاصل از تخصیص دارایی مالی یک فرد تا در فعالیت ۱ را بر آورد نمود. هر یک از طرفین قرارداد اعم از مصرف کنندگان یا تقاضا کنندگان انتظار خاصی از روند بازدهی حقیقی انتظاری دارند و همین برآورد در تعیین سهم آنان از سود و یا نرخ بازدهی ثابت در عقود خاص مؤثر است. اگر چنین نرخ را با  $\pi_e^j$  (نرخ سود انتظاری از فعالیت ۱) نمایش دهیم می توان درآمد انتظاری برای دارایی فرد ۱ را چنین برآورد نمود:

$$\text{TR}_{ie}^j = \frac{A_{2i}^j}{A_{2i}^j} [A_{2i}^j (1 + \pi_e^j)] \quad (6)$$

در این معادله  $A_{2i}^j$  کل دارایی مالی تخصیص یافته از سوی فرد ۱ در فعالیت ۱ و  $A_{2i}^j$  کل دارایی مالی تخصیص یافته به فعالیت ۱ است. بر اساس این معادله هر یک از سرمایه گذاران به اندازه سهم دارایی خود از سود حاصل سهم می برند و اگر  $\pi_e^j$  منفی باشد به همین نسبت ضرر خواهند کرد. بر پایه نظریه سهم بری متغیر در عقود

مشارکتی سرمایه گذار می تواند با سهمی متفاوت از سهم سرمایه خود از سود حاصل ببرد یعنی در معادله (۶) به جای  $\frac{A_{2i}^j}{A_2^j}$  می توان نسبت  $\frac{A_{2i}^j + \delta}{A_2^j}$  را قرار داد. یعنی:

$$TR_{ie}^j = \frac{A_{2i}^j + \delta}{A_2^j} [A_2^j (1 + \pi_e^j)]$$

در این حالت طرفین قرارداد بر پیش بینی سود حاصل بر اساس قدرت چانه زنی

که دارند نسبت  $\frac{\delta}{A_2^j}$  را به نفع خود تغییر می دهند که مستقیماً به ضرر سهم دیگری خواهد بود. طرفین قرار داد با این کار در واقع ریسک را به دیگری منتقل می کنند و یک فرد می تواند سهم سود خود را حتی بالاتر از سهم سود دیگری قرار دهد. سؤال جدی در اینجا آن است که هر کس از طرفین قرارداد پیش بینی بهتری از نرخ بازده قابل حصول ( $\pi_e^j$ ) داشته باشد می تواند شرایط بازار را به نفع خود تغییر دهد که به نظر عادلانه نمی رسد. حق این است که بگوئیم هر کس بر اساس سهم خود از سرمایه یا دارایی کل در سود یا ضرر سهیم شود. به بیان دیگر اگر همه سرمایه گذاران اطلاعات و پیش بینی صحیحی از روند بازار و بازدهیها داشته باشند تسلیم نسبت

$\frac{\delta}{A_2^j}$  نخواهند شد و در نهایت این نسبت به سمت صفر گرایش خواهد داشت. این بحث تنها یک توجیه دارد و آن این است که فرض کنیم  $\pi_e^j$  نرخ تعادلی و حقیقی نیست بلکه نرخ واقعی بازدهی زمان حال است و سرمایه گذار مطلع از جریان فعالیت

اقتصادی  $\frac{\delta}{A_2^j}$  را به نحوی تعیین می کند که در نهایت به نرخ بهره طبیعی که به طور ذهنی پیش بینی کرده برسد. در این صورت قرار داد با معیارهای عدالت اقتصادی<sup>۱۳</sup> مطابقت دارد و در نهایت در صورتی که بازار و اقتصاد از شرایط سالم برخوردار باشند و گردش آزاد اطلاعات وجود داشته باشد  $\pi_e^j$  به سمت نرخ بازدهی طبیعی سوق

خواهد یافت و در اثر نسبت  $\frac{\delta}{A_2^j}$  به سمت صفر نزدیک خواهد شد.

#### د- قیمت گذاری کالاها و خدمات

بر اساس دیدگاه اسلامی قیمت گذاری کالاها و خدمات در بازار اسلامی بر پایه تراضی طرفین و رعایت «انصاف» انجام می پذیرد. در آیه ۲۹ سوره نساء آمده است: «ولاتأكلوا اموالكم بينكم بالباطل إلا ان تكون تجاره عن تراض منكم و لا تقتلوا انفسكم» دلالت آیه این است اصل در معاملات بر بطلان است مگر اینکه رضایت طرفین احراز

شود. نکته مهم در این آیه توجه به این حقیقت تکوینی است که «اکل مال به باطل» به هلاکت جامعه منتهی می شود. بدیهی است رضایتی می تواند پایداری اقتصاد و سلامت معاملات را نتیجه دهد که رضایت حقیقی و بر پایه قوانین عدالت اقتصادی باشد. در ادبیات اقتصادی نیز مشابه اصل تراضی، از عدالت به عنوان «وضعیت خالی از حسادت» یا «وضعیت خالی از سرزنش» نام برده شده که دلالت مشابهی دارند. عدالت در معامله مستلزم آن است که معامله معادله باشد یعنی میان ثمن و مثن برابر برقرار باشد. فروشنده کالا در اقتصاد اسلامی صرفاً به آنچه که بازار تعیین می کند توجه نمی کند بلکه تصمیمات او و امثال او هست که قیمت بازار را تعیین می کند. بنابراین عوامل اقتصادی در بازار اسلامی با تصمیمات منصفانه خود جریان قیمتها در بازار را شکل می دهند. البته قبل از همه لازم است شرایط عادلانه بر بازار حاکم باشد تا قیمتها به سوی قیمت های تعادلی سوق یابند.

بر اساس آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که شرایط «قوام» در بازار در صورتی رخ می دهد که قیمتها در حد تعادلی و عادلانه تعیین شوند. تنها در این صورت است که میان ثمن و مثن برابری وجود دارد و رضایت حقیقی در اقتصاد جریان خواهد داشت که خود آثار اقتصادی جانبی نظیر کاهش هزینه های معاملاتی و افزایش اعتبار عمومی را به دنبال دارد. بنابراین، می توان گفت هر قیمتی که بیش از قیمت تعادلی باشد آثار قهری «اکل مال به باطل» را با خود دارد حتی اگر حکماً حرام تلقی نشود. به بیان دقیق تر اگر چه بر اساس آرای فقهی بسیاری از معاملات در بازار مشروع تلقی می گردد اما این آرا به شرایط تعادلی بازار چندان توجه ندارند و رضایت نسبی را مینا قرار می دهند حال آنکه عدم حاکمیت قیمت های عادلانه در اقتصاد به هلاکت جامعه منتهی می شود و باعث گسترش فقر و بیکاری و عدم توازن اقتصادی می گردد که خود به فساد جامعه منجر می شود.

یک شاخص مهم برای کمی کردن انصاف و تراضی این است که بگوئیم قیمت کالاها در اقتصاد اسلامی با روش مارک آپ (Mark-up) تعیین می شوند. یعنی فروشنده فقط در صدی را به هزینه متوسط (AC) خود اضافه می کند تا قیمت واحد کالا را معین کند. یعنی

$$PC = AC + K (AC) \quad (۸)$$

متأسفانه بسیاری از تحلیل های اقتصاد اسلامی به نرخهای عادلانه توجه ندارند و توجه خود را بیش از همه به «ربا» معطوف ساخته اند و گاهی هر گونه نرخ از قبل تعیین شده را ربا تعریف کرده اند که از دقت لازم برخوردار نیست. اگر چنین تحلیل هایی را بپذیریم به ناچار این تردید در ما ایجاد می شود که اقتصاد اسلامی نسبت به اقتصاد متعارف تطابق کمتری با موازین عدالت دارد. چنین حکمی بر خلاف موازین و دستورات حقه دین مبین اسلام است.

تأکید به نیروهای بازار و آزادی عمل عوامل اقتصادی در چهارچوب موازین اسلامی و مالکیت خصوصی ابزار تولید و تأیید معیار «شایستگی» در اقتصاد اسلامی از جمله عواملی هستند که شبهه نابرابری در اقتصاد اسلامی را تقویت می کنند اما باید توجه داشت همزمان نیروهای دیگری وجود دارند که تمایل بیشتری در جهت برابری ایجاد می کنند. از جمله این نیروها می توان به ابزارهای توزیع مجدد درآمد در اقتصاد اسلامی اشاره کرده. ابزارهای توزیع مجدد در اقتصاد اسلامی به دو دسته تقسیم می شود:

- ۱- انتقال بین اشخاص که خود به ۳ قسم است: الف- انتقال ارث؛ ب- انتقال اجباری (خمس، زکات و...) ج- انتقال اختیاری (انفاقات)
  - ۲- انتقال از طریق اموال دولتی؛ این ثروتها در یک نگاه کلی شامل (قسمت سهم امام) و اقسام گوناگون انفال می باشند. از طرف دیگر دولت اسلامی می تواند مالیاتهای اضافی دیگری را نیز در صورت ضرورت وضع کند.
- در هر حال ابزارهای توزیع مجدد ثروت در اقتصاد اسلامی با مشارکت دولت و خواست عمومی مردم عمل می کنند و باعث تعدیل درآمد میان گروههای مختلف جامعه می گردند. نکته مهم این است که این ابزارها مانع انگیزه های تولید در مرحله توزیع کارکردی نیستند و لذا مانع عملکرد کارای نیروهای بازار نخواهند بود.
- دین اسلام از تعدیل ثروت و درآمد در مرحله توزیع قبل از تولید و توزیع مجدد پشتیبانی کرده و نهادهایی را جهت عملی ساختن این هدف پایه گذاری کرده که نقش نظارتی دولت و ابزارهای توزیع مجدد از جمله این نهادها هستند. علاوه بر این دین اسلام با ایجاد انگیزه های اخلاقی زمینه تعدیل درآمد را به صورت درونزا و با اختیار خود مردم فراهم ساخته است. ممنوعیت تکاثر اموال «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منهم» (حشر- ۷) و تحریم اکل مال به باطل «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» (نساء- ۲۹) و تعیین حقوق مالی واجب از قبیل زکات، خمس و ... و تشویق انفاق زمینه ساز این فرایند شمرده می شوند.

نکته مهم این است که دین اسلام با حفظ قاعده شایستگی در توزیع درآمدهای حاصل از تولید در عین حال از توازن ثروت و درآمد در جامعه حمایت کرده است. این محدودیتها در حد بالا از طریق حرمانت از تکاثر و احتکار و در حد پایین از طریق تعلق زکات به گروههای کم درآمد عملی می شود. در روایات اسلامی تعلق درآمدهای زکات در حد بی نیاز کردن فقیران و با عبارت «حتی تغنیه»<sup>۱۴</sup> تا حدی که او را غنی و بی نیاز کنی) و «حتی یلحقهم بالئاس»<sup>۱۵</sup> اما اینکه زندگی او به حد دیگران برسد) بیان شده است.

### ۳- بررسی تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران

برای بررسی میزان تطبیق ثروت و درآمد اسلامی با عملکرد اقتصاد ایران و توان از شاخص های کاربردی متعارف برای سنجش تعمیم قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی در جامعه استفاده نمود. در چارچوب نظریه های ۳ مرحله ای توزیع ثروت و درآمد می توان ۴ نوع معیار عدالت اقتصادی<sup>۱۶</sup> را به کار گرفت و برای هر یک شاخص هایی را در نظر گرفت:

**معیار اول:** حق برخورداری برابر از منابع و امکانات و فرصت های عمومی  
برای بررسی این معیار می توان از شاخص هایی نظیر سطح برخورداری افراد جامعه از بهداشت، آموزش و امکانات عمومی نظیر پارکها، اماکن عمومی، فرودگاهها و که با مخارج عمومی تأمین مالی می شوند و همچنین میزان دسترسی به هوای سالم و میزان دسترسی به عواید حاصل از بیت المال نظیر درآمد حاصل از فروش نفت استفاده نمود. بررسیها نشان می دهند که در دوره بعد از انقلاب در ایران میزان بهره مندی خانواده ها از لوازم زندگی نظیر آب، برق، گاز شهری و تلفن گسترش یافته و همچنین سطح بهره مندی از آموزش و بهداشت در جامعه افزایش یافته است.  
برای مثال درصد خانوارهای استفاده کننده از تسهیلات محل سکونت و لوازم زندگی مطابق جدول ۱ بهبود خوبی را در اکثر موارد نشان می دهد. ملاحظه ای داشته است.

به همین ترتیب میزان باسواد (از ۴۲/۱ درصد در سال ۵۷ به ۷۰ درصد در سال ۷۵) و شاخص های مربوط به تعداد خانه های بهداشت روستایی، تعداد تخت های بیمارستانی،... از بهبود قابل توجهی برخوردار بوده اند که به خاطر اختصار به ریز آمارها اشاره نمی کنیم.

#### معیار دوم: استفاده بهینه از اموال و ثروتهای عمومی

استفاده نیکو و بهینه از اموال و ثروتهای عمومی باعث گسترش ثروت و رفاه در جامعه می شود. از یکسو شرط پایداری هر حکومت یا جامعه ای آن است که میزان احیای منابع تجدید پذیر در آن جامعه بیش از میزان تخریب آن باشد.<sup>۱۷</sup> لذا شرط عادلانه عمل کردن هر حکومت آن است که میزان احیای منابع نظیر جنگل و مرتع در آن حکومت بیشتر از میزان تخریب آنها باشد. از سوی دیگر، دولت اسلامی موظف است به بهترین شیوه از منابع و ثروتهای عمومی بهره برداری نماید.

بر اساس آمارها میزان تخریب جنگلها در کشور در طی برنامه اول ۳۱۰ هکتار بوده، در حالی که میزان احیای سالانه ۶۶ هکتار بوده است. به عبارت دیگر، حجم تخریب جنگل سالانه ۵ برابر میزان جنگل کاری (احیای جنگل) بوده است.<sup>۱۸</sup>

مراتع کشور نیز روند مشابهی داشته است، به طوری که در طول برنامه اول از ۱۲۶ میلیون هکتار به ۹۰ میلیون هکتار (۲۸ درصد) کاهش یافته است. میزان تخریب سالانه مراتع کشور تا سال ۱۳۷۸ حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار برآورد شده که این تخریب ناشی از چرای غیر مجاز، بوته کنی و تبدیل غیر اصولی مراتع به اراضی کشاورزی به صورت در نمودارهای رها شده می باشد.<sup>۱۹</sup> به لحاظ استفاده کارا از منابع و ثروتها تحقیق مستقلى لازم است صورت بگیرد اما شاید بتوان به یک آمار اشاره کرد و بر اساس آن میزان تطبیق این معیار را با اقتصاد ایران مورد ارزیابی قرار داد. بر اساس بررسیهای سازمان بهره وری، بهره وری سرمایه در ایران از متوسط ۱/۶۵ در طی سالهای ۵۵-۱۳۴۵ به ۰/۶۴ در طی دوره ۷۷-۱۳۷۳ کاهش یافته است. بر اساس محاسبه این سازمان، با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی ایران با بهره وری ۰/۶۴ در سال ۱۳۷۷، معادل ۶۰/۰۰۰ میلیارد ریال به قیمت های ثابت سال سال ۱۳۶۱ بوده، چنانچه این تولید با بهره وری ۱/۶۵ انجام می شد، تولید ناخالص داخلی ایران به ۱۵۰/۰۰۰ میلیارد ریال می توانست افزایش یابد. این به معنی ۹۰/۰۰۰ میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۶۱) خسارت مالی است که از کاهش بهره وری سرمایه حاصل شده است که حکایت از عدم تخصیص بهینه سرمایه ها و استفاده کارا از آنها دارد.<sup>۲۰</sup>

شاخص بهره وری سرمایه در ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ از ۱۰۰ به ۷۸/۱ کاهش و شاخص بهره وری نیروی کار سرمایه از ۱۰۰ به ۱۱۷ افزایش یافته است که در مقایسه با کشورهای مثل کره، مالزی، تایلند و بسیار پایین است. (جدول ۵)

معیار سوم: بهره برداری از تولید و منافع آن در حد ارزش افزوده ای که هر عامل حاصل کرده است

به منظور تطبیق معیار سوم با واقعیت های اقتصاد ایران لازم است سهم بری سودها و دستمزدها از درآمد ملی مورد تحقیق قرار گیرد که بعلت اینکه آمار تولید ناخالص ملی در ایران از طریق محاسبه اجزای درآمد ملی صورت نمی پذیرد امر مشکلی است. راه دیگر، تعیین ساختار بازار در ایران است که هر چه رقابتی تر باشد میزان سهم بری عوامل تولید عادلانه خواهد بود. تحقیق خداداد کاشی (۱۳۷۷) بر این واقعیت اشاره دارد که بخش قابل توجهی از صنایع کشور به انحصار تمایل دارند و تا سال ۱۳۷۷ تمایل صنایع ایران به تمرکز و انحصار بیشتر شده است. به طوری که در سال ۱۳۶۶ صناعی که تمرکز آنها بیش از ۴۰ درصد بوده سهمی معادل ۷۰ درصد از ارزش

تولید بخش صنعت را به خود اختصاص داده اند. سهم این صنایع در سال ۱۳۷۰ به ۷۷ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که سهم بازارهای رقابتی از ۳۰ درصد در سال ۱۳۶۶ به ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است.<sup>۲۱</sup>

یک راه دیگر برای بررسی میزان مطابقت، مقایسه روند تغییر شاخص بهای مصرف کننده در برابر تغییرات دستمزدهای واقعی است. آمارها نشانگر آن است که در طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۵۷ روند تغییرات دستمزدهای واقعی (نمودار ۱) با تغییرات شاخص بهای مصرف کننده هماهنگ نبوده و با نوساناتی همراه بوده اگر چه در کل هر دو روند افزایش صعودی داشته است. این روند طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۱ با نوسانات زیادی روبرو بوده است.

جدول ۲ آمار تغییرات شاخص های مختلف مربوط به این بحث را نشان می دهد. بر اساس نمودار ۲ تغییرات دستمزد واقعی به جز در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۱ با روند تغییرات شاخص بهره وری نیروی کار به طور نسبی هماهنگی دارد.

#### معیار چهارم: توازن درآمدها در کشور

معیار چهارم نتیجه نهایی به کارگیری قواعد عادلانه و موازن حقوقی و عملکرد نمادها را نشان می دهد که آیا در کل سیاستها و عملکردها در جهت توازن درآمدها بوده است یا نه.

یکی از شاخص های مهم در این زمینه روند تغییرات و دهکهای درآمدی است. بر اساس جدول ۳ و نمودارهای ۱-۳ و ۲-۳، روند تغییرات سهم بری و دهکهای اول تا سوم در مجموع طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۵۷ رو به بهبود بوده است. این در حالی است که سهم بری و دهکهای هشتم تا دهم در مجموع روند نسبتاً کاهشی داشته است. اگر چه این کاهش در طی سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۷ شدیدتر بوده است و با نوسانات زیادی روبرو بوده اما در سالهای بعدی روند نسبتاً ثابت و تدریجی کاهشی داشته است.

یکی دیگر از شاخص ها در این زمینه شاخص رفاه آمار تیاسن، اقتصاد دانان مشهور است که از طریق رابطه

$$SW = \mu (1-G)$$

محاسبه می شود. در این رابطه (رابطه ۹)  $\mu$  بیانگر درآمد سرانه واقعی و  $G$  معرف ضریب جینی است و  $(1-G)$  نشانگر بهبود توزیع درآمد است. این محاسبات در جدول شماره ۴ و نمودار ۴ نشان داده شده است. روند تغییرات شاخص رفاه در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۴۷ صعودی بوده اما طی سالهای ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۰ روند رو به کاهش داشته است. این روند طی سالهای ۶۱-۱۳۶۰ روند صعودی یافته اما تا سال ۱۳۶۷ این روند رو به کاهش بوده تا اینکه از این سال به بعد روند رو به رشد قابل ملاحظه ای داشته است که تحت تأثیر افزایش درآمد سرانه واقعی نیز بوده است.



### نتیجه گیری

بررسی عملکرد اقتصاد ایران به لحاظ معیار اول و چهارم با موازین توزیع عادلانه به طور نسبی هماهنگی دارد اما مشکل عمده، ضعف اقتصاد ایران در مطابقت با معیار کارایی است که عدم رعایت آن امکان افزایش ثروت ملی و درآمد سرانه واقعی را کاهش می دهد. مهمترین نمود این عدم تطبیق عدم افزایش بهره وری نیروی کار و سرمایه در ایران است که مانع افزایش قابل توجه تولید ناخالص داخلی در ایران گردیده است.

جداول و نمودارها

جدول ۱  
درصد خانوارهای استفاده کننده از تسهیلات عمده خانوار و مسکن در هر یک از گروههای هزینه در سال ۱۳۸۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
آب سرد خانگی	۹۶۱۶۱	۱۳۷۸۵	۱۳۷۹۸	۷۷۷۶	۵۲۶۶۶	۶۵۹۱۹	۱۸۷۶۶	۱۳۳۷۶	۵۸۹۶۶	۸۷۳۶۶
برق	۷۶۲۹۶	۱۶۲۹۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶
گاز (گرمایش)	۱۳۷۶۶	۸۵۱۰۵	۳۷۹۰۸	۶۶۲۱۱	۳۳۱	۷۳۱۱۱	۸۳۹۶۶	۸۳۹۶۶	۶۳۱۶۶	۱۰۰۶۶
حمام (گرم)	۱۰۰۶۶	۱۳۱۶۶	۶۳۹۰۸	۳۲۱۶۶	۱۸۲۹۶	۶۷۹۶۶	۷۳۹۶۶	۵۳۱۶۶	۳۸۷۶۶	۱۰۰۶۶
کولر	۶۳۹۰۸	۶۳۹۰۸	۱۳۷۶۶	۶۳۹۰۸	۷۳۹۰۸	۱۱۰۰۰	۱۳۷۶۶	۵۳۱۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶
تلویزیون	۱۳۰۰۰	۵۸۱۶۶	۷۳۹۰۸	۳۲۱۶۶	۶۳۹۰۸	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶	۱۳۷۶۶
سجدهات	۱۳۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۳۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰
موتوری (سجدهات)	۱۳۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۳۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰
آب سرد خانگی	۵۹۱۰۵	۶۳۹۰۸	۱۳۷۶۶	۷۳۹۰۸	۶۳۹۰۸	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰

درصد خانوارهای استفاده کننده از تسهیلات محل سکونت و لوازم زندگی در مناطق

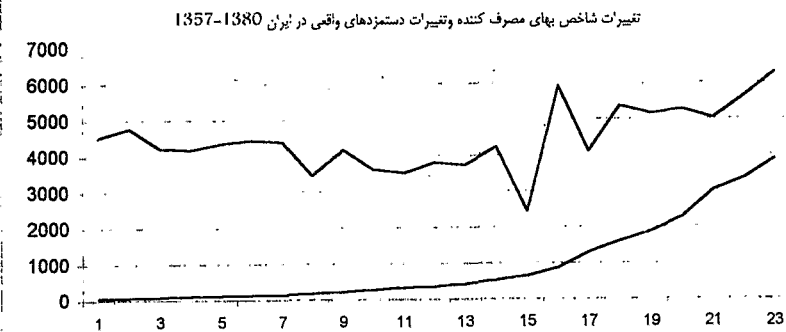
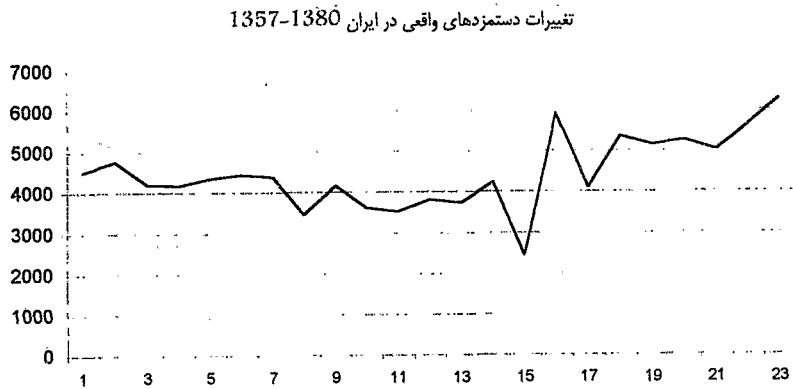
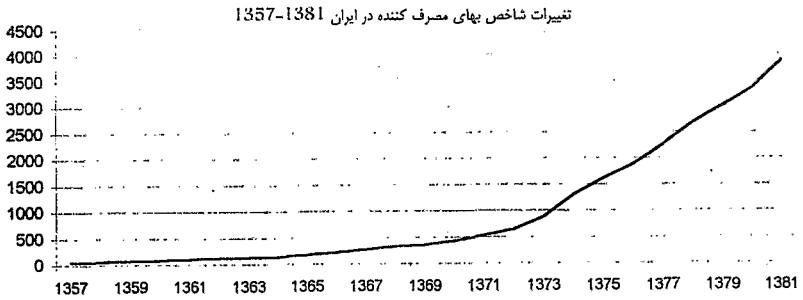
شهری ایران طی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۸۰

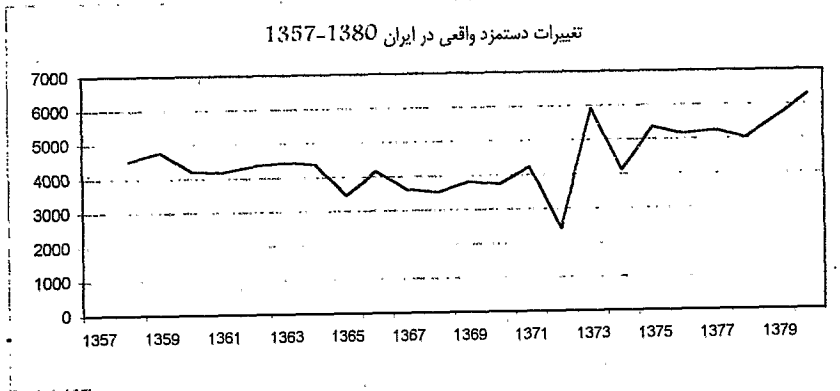
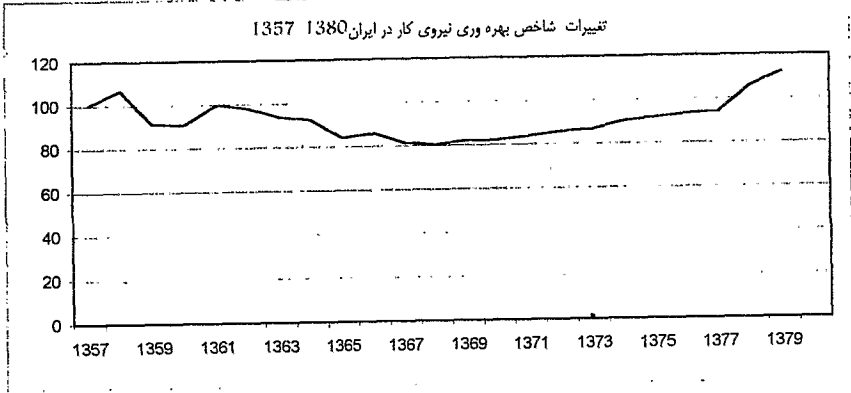
۱۳۸۰	۱۳۷۵	۱۳۶۸	۱۳۵۶	۱۳۵۲	۱۳۴۸	
۹۹	۹۸	۹۴	۷۹.۵۴	۶۵.۴	۵۶	آب لوله کشی
۹۹.۷۵	۹۹.۸۹	۹۹	۹۱.۵۱	۸۲.۹	۷۵.۶	برق
۶۷	۵۲.۴	۳۰.۲	۱۹.۹	۹.۱۴	۷.۳	تلفن
۶۴.۹۴	۴۹.۵۷	۱۳	۱.۶	na	na	گاز شهری
۱۷.۵۳	۱۵.۵	۱۶.۳	۱۹	۱۲	۴.۷	اتومبیل شخصی
۸۸.۱۵	۸۳.۴	۶۷.۳	۳۷.۴	۲۶	na	حمام
۵۲.۲۵	۵۴.۴	۴۸	۲۷.۸	۱۳.۲	na	کولر
۹۶.۶	۸۹.۸	۹۰	۸۰.۲	۵۰.۵	۲۳.۸	یخچال
۳۰.۷	۲۷.۵	۱۶.۳	na	na	na	فریزر و یخچال فریزر
۹۶.۲	۹۴.۷	۸۸.۶	۷۴.۶	۱.۴۸	۱۸.۸	اجاق گاز
۴۹.۸۶	۵۴.۱	۴۳.۲	۲۳.۱	۷.۷	na	ماشین لباسشویی
۵۶.۳۹	۴۸.۹	۲۸.۵	۱۰.۲	۴.۲	na	جارو برقی
۹۲.۶۴	۸۵.۱	۸۳.۱	۸۴.۴	۷۴.۵	۵۷.۹	رادیو و رادیو ضبط
۹۶.۹۲	۹۵.۳	۸۷	۵۸.۲	۳۵.۲	۹.۲	تلویزیون
۲۴.۶۱	۱۲.۴	۱.۵	na	na	na	ویدئو

درصد خانوارهای استفاده کننده از تسهیلات محل سکونت و لوازم زندگی در مناطق

روستایی ایران طی سالهای ۱۳۵۱-۱۳۸۰

۱۳۸۰	۱۳۷۷	۱۳۷۵	۱۳۶۸	۱۳۵۷	۱۳۵۱	
۸۵.۷۷	۸۰.۱	۷۳.۱۴	۵۶	۱۳.۸۷	۵.۸	آب لوله کشی
۹۶.۵۱	۹۳.۷۴	۸۸.۰۲	۷۰	۲۲.۵۶	۱۱.۶	برق
۳.۸۵	۱.۹۷	۲.۱۶	۰.۴۸	۰.۳۳	na	گاز لوله کشی
na	۷۸.۰۶	۷۴.۷۵	۵۶	۲۲.۷۶	۴.۳	گاز





نمودار ۲

جدول ۲: تغییرات شاخص های بهره وری و اشتغال در بخش صنعت و شاخص قیمت

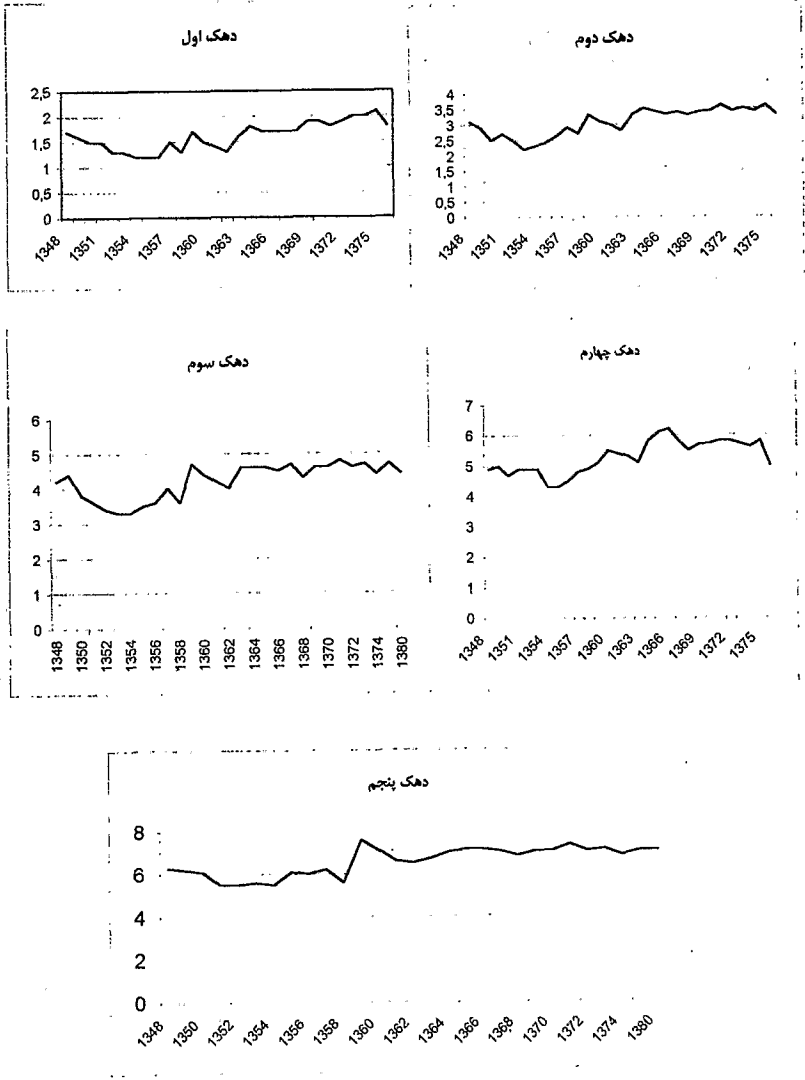
مصرف کننده طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۵۷

obs	MVA	MRW	MPL	IMPL	EMPL	CPI
۱۳۵۷	۹۸۶,۲			۱۰۰		۴۹,۲۵
۱۳۵۸	۸۵۹,۱	۴۵۰۸,۸۶۱	۰,۰۰۲۰۷۲	۱۰۶,۷۲	۴۱۴۵۴۶	۵۵,۳
۱۳۵۹	۹۶۴,۸	۴۷۶۰,۶۸۸	۰,۰۰۲۰۳	۹۱,۶۲	۴۷۳۵۴۲	۶۸,۳
۱۳۶۰	۱۰۴۲,۳	۴۲۰۶,۰۹۱	۰,۰۰۲۱۴	۹۰,۷۶	۴۸۶۴۴۱	۸۳,۹
۱۳۶۱	۹۹۶,۷	۴۱۴۴,۸۵۳	۰,۰۰۱۸۴	۹۹,۸۴	۵۳۹۰۰۰	۱۰۰
۱۳۶۲	۱۱۱۵,۳	۴۳۴۲,۸۷۳	۰,۰۰۱۹۶	۹۸,۱۲	۵۶۷۰۰۰	۱۱۴,۵
۱۳۶۳	۱۲۵۲,۳	۴۴۳۵,۰۷	۰,۰۰۲۱۱	۹۴	۵۹۳۰۰۰	۱۲۶,۵
۱۳۶۴	۱۲۲۵,۹	۴۳۷۹,۸۲۳	۰,۰۰۲۱۲	۹۲,۴۷	۵۷۸۰۰۰	۱۳۵,۴
۱۳۶۵	۱۱۴۸	۳۴۵۲,۷۲۶	۰,۰۰۲۰۵	۸۳,۹۶۶	۵۵۹۰۰۰	۱۶۷,۶
۱۳۶۶	۱۲۵۷,۶	۴۱۵۵,۱۱۵	۰,۰۰۰۸۷	۸۵,۸۸۳	۱۴۴۱۱۵	۲۱۳,۹
۱۳۶۷	۱۳۰۱,۸	۳۶۰۹,۹۲۵	۰,۰۰۰۹۳	۸۱,۳۸۳	۱۳۹۲۳۳۹	۲۶۷
۱۳۶۸	۱۴۱۷,۹	۳۵۱۴,۲۳۲	۰,۰۰۰۹۹	۸۰,۳۳۷	۱۴۳۲۱۸۸	۳۲۳
۱۳۶۹	۱۶۴۳,۸	۳۸۰۸,۲۸۵		۸۱,۹۹۳		۳۵۲,۸
۱۳۷۰	۱۹۴۰,۳	۳۷۲۴,۲۱۴	۰,۰۰۳۰۷	۸۲,۱۵۶	۶۳۰۲۸۶	۴۲۱,۹
۱۳۷۱	۲۰۰۲,۴	۴۲۲۴,۷۵۵	۰,۰۰۳۰۸	۸۳,۷۹۶	۶۴۸۶۷۱	۵۲۴,۶۶
۱۳۷۲	۱۹۹۲,۴	۲۴۳۷,۸۵۵	۰,۰۰۳۱۸	۸۵,۸	۶۲۵۹۷۹	۶۴۴,۵۲
۱۳۷۳	۲۰۶۱,۱	۵۹۰۸,۰۷۸	۰,۰۰۱۲۲	۸۶,۵۸۶	۱۶۷۸۴۶۴	۸۷۱,۴
۱۳۷۴	۲۱۸۰,۶	۴۱۰۰,۸۷۳	۰,۰۰۲۷	۹۰,۱۸۷	۸۰۶۶۸۹	۱۳۰۱,۷
۱۳۷۵	۲۲۹۴	۵۳۵۴,۵۵۷	۰,۰۰۱۴۲	۹۱,۸۳۵	۱۶۱۱۲۷۹	۱۶۰۳,۷
۱۳۷۶	۲۴۲۰,۱۷	۵۱۳۹,۹۸۸	۰,۰۰۱۴۹۸	۹۳,۲۱۲۵	۸۷۵۵۲۸	۱۸۸۱,۲۳
۱۳۷۷	۲۵۰۲,۴۵	۵۲۴۴,۶۸۳	۰,۰۰۱۵۴۹	۹۴,۱۳	۸۸۲۱۹۶	۲۲۵۶,۶۳
۱۳۷۸	۲۴۹۰,۳۵	۵۰۱۳,۹۱۶	۰,۰۰۱۵۹۴	۱۰۵,۸۹۶۳	۸۸۲۷۶۳	۳۰۰۳,۹۵۷
۱۳۷۹	۲۵۶۲,۹	۵۶۳۵,۶۴۱	۰,۰۰۱۶۸۸	۱۱۲,۲۵	۹۰۵۶۱۰	۲۹۹,۳۳۴۶
۱۳۸۰	۲۶۱۱,۳	۶۲۷۲,۴۶۷	۰,۰۰۱۸۲۱		۹۳۲۷۷۸,۳	۳۸۷۴,۸۶

- MPL: بهره وری متوسط نیروی کار در بخش صنعت  
 CPI: شاخص بهای مصرف کننده ۱۳۶۱=۱۰۰  
 EMPL: اشتغال در صنعت بر حسب نفر  
 MVA: بهره وری متوسط نیروی کار  
 IMPL: شاخص بهره وری نیروی کار در بخش صنعت  
 MWR: دستمزدهای واقعی در بخش صنعت

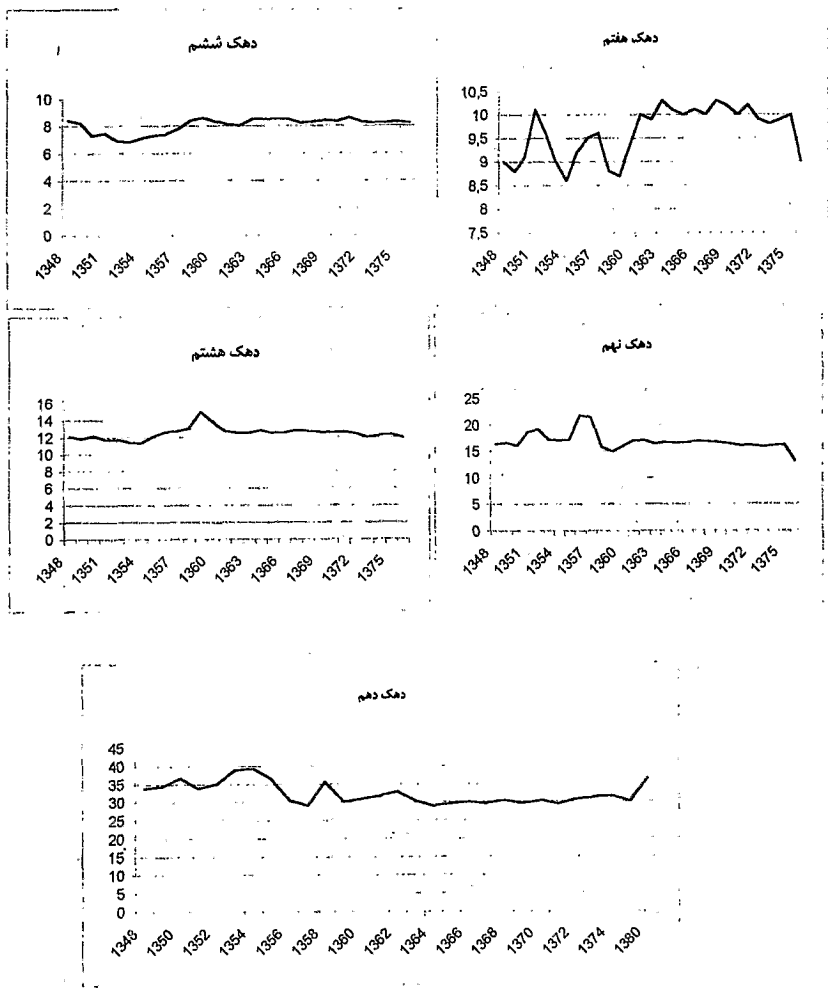
جدول شماره ۳: سهم دهک های درآمدی از درآمد کل طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۴۸

D10	D9	D8	D7	D6	D5	D4	D3	D2	D1	
۳۳.۹	۱۶.۴	۱۲.۱	۹	۸.۴	۶.۳	۴.۹	۴.۲	۳.۱	۱.۷	۱۳۴۸
۳۴.۵	۱۶.۶	۱۱.۸	۸.۸	۸.۲	۶.۲	۵	۴.۴	۳.۹	۱.۶	۱۳۴۹
۳۶.۷	۱۶.۱	۱۲.۲	۹.۱	۷.۳	۶.۱	۴.۷	۳.۸	۲.۵	۱.۵	۱۳۵۰
۳۳.۸	۱۸.۷	۱۱.۷	۱۰.۱	۷.۵	۵.۵	۴.۹	۳.۶	۲.۷	۱.۵	۱۳۵۱
۳۵.۱	۱۹.۱	۱۱.۷	۹.۶	۶.۹	۵.۵	۴.۹	۳.۴	۲.۵	۱.۳	۱۳۵۲
۳۸.۹	۱۷.۲	۱۱.۴	۹	۶.۸	۵.۶	۴.۹	۳.۳	۲.۲	۱.۳	۱۳۵۳
۳۹.۴	۱۷	۱۱.۳	۸.۶	۷.۱	۵.۵	۴.۳	۳.۳	۲.۳	۱.۲	۱۳۵۴
۳۶.۵	۱۷.۲	۱۲.۱	۹.۲	۷.۳	۶.۱	۳.۲	۳.۵	۲.۴	۱.۲	۱۳۵۵
۳۰.۵	۲۱.۸	۱۲.۶	۹.۵	۷.۴	۶	۴.۵	۳.۶	۲.۶	۱.۲	۱۳۵۶
۲۹	۲۱.۴	۱۲.۷	۹.۶	۷.۸	۶.۲	۴.۸	۴	۲.۹	۱.۵	۱۳۵۷
۳۵.۷	۱۵.۸	۱۳	۸.۸	۸.۴	۵.۶	۴.۹	۳.۶	۲.۷	۱.۳	۱۳۵۸
۳۰	۱۴.۹	۱۵	۸.۷	۸.۶	۷.۶	۵.۱	۴.۷	۳.۳	۱.۷	۱۳۵۹
۳۰.۸۵	۱۵.۹	۱۳.۹	۹.۳۵	۸.۳۵	۷.۱	۵.۵	۴.۴	۳.۱	۱.۵	۱۳۶۰
۳۱.۷	۱۷	۱۲.۷	۱۰	۸.۱	۶.۶	۵.۴	۴.۲	۳	۱.۴	۱۳۶۱
۳۲.۹	۱۷	۱۲.۵	۹.۹	۸	۶.۵	۵.۳	۴	۲.۸	۱.۳	۱۳۶۲
۳۰.۳	۱۶.۴	۱۲.۵	۱۰.۳	۸.۵	۶.۷	۵.۱	۴.۶	۳.۳	۱.۶	۱۳۶۳
۳۸.۹	۱۶.۷	۱۲.۸	۱۰.۱	۸.۵	۷	۵.۸	۴.۶	۳.۵	۱.۸	۱۳۶۴
۲۹.۵	۱۶.۵	۱۲.۵	۱۰	۸.۵	۷.۱	۶.۱	۴.۶	۳.۴	۱.۷	۱۳۶۵
۳۰	۱۶.۷	۱۲.۵	۱۰.۱	۸.۵	۱.۷	۶.۲	۴.۵	۳.۳	۱.۷	۱۳۶۶
۲۹.۵	۱۶.۹	۱۲.۸	۱۰	۸.۲	۷	۵.۸	۴.۷	۳.۴	۱.۷	۱۳۶۷
۳۰.۳	۱۶.۸	۱۲.۷	۱۰.۳	۸.۳	۶.۸	۵.۵	۴.۳	۳.۳	۱.۷	۱۳۶۸
۲۹.۶	۱۶.۶	۱۲.۶	۱۰.۲	۸.۴	۷	۵.۷	۴.۶	۳.۴	۱.۹	۱۳۶۹
۳۰.۳	۱۶.۴	۱۲.۵	۱۰	۸.۳	۷	۵.۷	۴.۶	۳.۴	۱.۹	۱۳۷۰
۲۹.۳	۱۶	۱۲.۶	۱۰.۲	۸.۶	۷.۳	۵.۸	۴.۸	۳.۶	۱.۸	۱۳۷۱
۳۰.۷	۱۶	۱۲.۴	۹.۹	۸.۳	۷	۵.۸	۴.۶	۳.۴	۱.۹	۱۳۷۲
۳۱.۲	۱۵.۸	۱۲	۹.۸	۸.۲	۷.۱	۵.۷	۴.۷	۳.۵	۲	۱۳۷۳
۳۱.۵	۱۶	۱۲.۲	۹.۹	۸.۲	۶.۸	۵.۶	۴.۴	۳.۴	۲	۱۳۷۴
۳۰	۱۶.۲	۱۲.۳	۱۰	۸.۳	۷	۵.۸	۴.۷	۳.۶	۲.۱	۱۳۷۵
۳۶.۳	۱۳.۱	۱۱.۹	۹	۸.۲	۷	۵	۴.۴	۳.۳	۱.۸	۱۳۸۰
۳۶.۳	۱۸.۲	۱۲	۹.۳۵	۷.۴۷	۵.۹	۴.۷۲	۳.۷۱	۲.۶۱	۱.۴	متوسط قبل از انقلاب
۳۰.۹۸	۱۶.۱	۱۲.۷	۹.۸۲	۸.۳۴	۶.۹۱	۵.۵۶۸	۴.۴۷	۳.۳	۱.۷۲۶	متوسط بعد از انقلاب



نمودار ۳-۱





نمودار ۳-۲

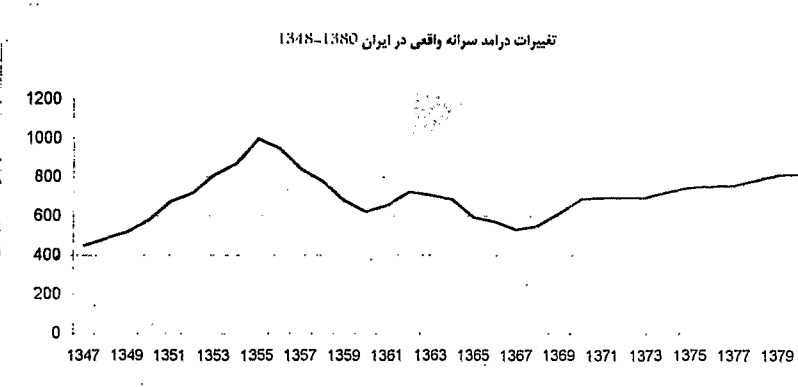
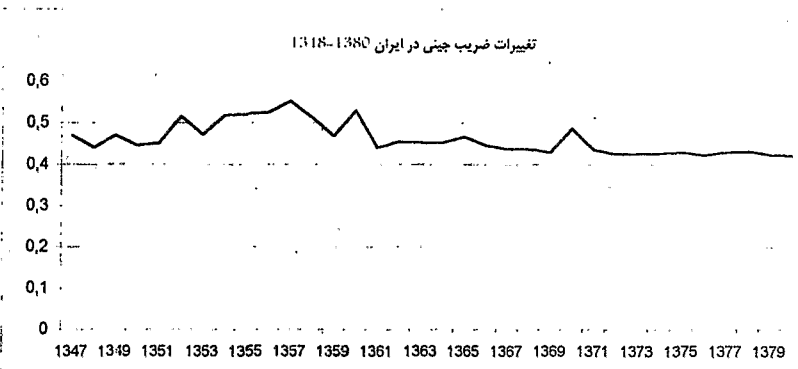
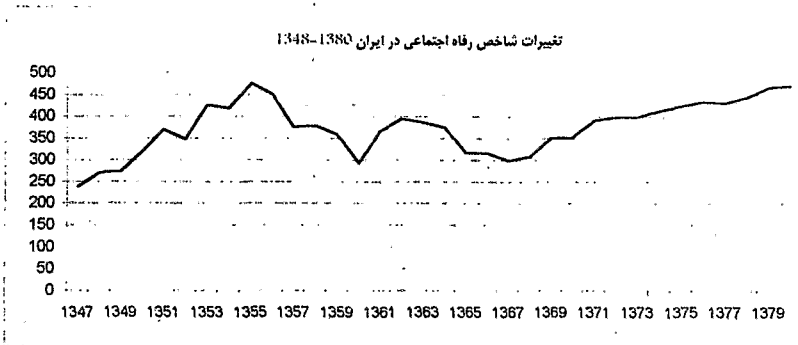
## جدول شماره ۴

تغییرات درآمد سرانه ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی در ایران ۱۳۸۰-۱۳۳۷

شاخص رفاه اجتماعی	ضریب جینی	درآمد سرانه	obs
۲۳۸,۰۲۵۷۸۱	۰,۴۷۰۱	۴۴۹,۱۹	۱۳۴۷
۲۶۹,۹۸۶۱۸۸	۰,۴۴۱۳	۴۸۳,۲۴	۱۳۴۸
۲۷۳,۷۵۱۶۳۹	۰,۴۷۰۱	۵۱۶,۶۱	۱۳۴۹
۳۲۰,۷۲۸۹۵	۰,۴۴۵	۵۷۷,۸۹	۱۳۵۰
۳۶۹,۵۲۹۰۵۶	۰,۴۵۰۴	۶۷۲,۳۶	۱۳۵۱
۳۴۸,۱۹۶۰۵	۰,۵۱۵	۷۱۷,۹۳	۱۳۵۲
۳۲۶,۸۲۶۶۲۵	۰,۴۷۲۵	۸۰۹,۱۵	۱۳۵۳
۴۱۹,۱۲۸۴۱	۰,۵۱۷۳	۸۶۸,۳	۱۳۵۴
۴۷۶,۰۵۴۱۵	۰,۵۲۱	۹۹۳,۸۵	۱۳۵۵
۴۵۰,۶۸۶۳۲	۰,۵۲۴	۹۴۶,۸۲	۱۳۵۶
۳۷۶,۶۴۲۵۶	۰,۵۵۲	۸۴۰,۷۲	۱۳۵۷
۳۷۹,۵۷۶۱۶	۰,۵۱۲	۷۷۷,۸۲	۱۳۵۸
۳۵۹,۴۳۳۹	۰,۴۶۹	۶۷۶,۹	۱۳۵۹
۲۹۳,۲۴۲۴	۰,۵۳	۶۲۳,۹۲	۱۳۶۰
۳۶۷,۰۷۸۵۳	۰,۴۴۱	۶۵۶,۶۷	۱۳۶۱
۳۹۴,۸۳۹۹	۰,۴۵۴	۷۲۳,۱۵	۱۳۶۲
۳۸۶,۳۲۹۶۹	۰,۴۵۳	۷۰۶,۲۷	۱۳۶۳
۳۷۵,۳۱۴۲۴	۰,۴۵۲	۶۸۴,۸۸	۱۳۶۴
۳۱۶,۵۰۱۸	۰,۴۶۶	۵۹۲,۷	۱۳۶۵
۳۱۶,۴۷۸۰۴	۰,۴۲۶	۵۷۱,۲۶	۱۳۶۶
۲۹۸,۹۶۱۵۲	۰,۴۳۸	۵۳۱,۹۶	۱۳۶۷
۳۰۹,۰۸۸۷۶	۰,۴۳۸	۵۴۹,۹۸	۱۳۶۸
۳۵۱,۱۷۰۷۱	۰,۴۲۹	۶۱۵,۰۱	۱۳۶۹
۳۵۳,۳۹۵۵۶	۰,۴۸۶	۶۸۷,۵۴	۱۳۷۰
۳۹۱,۹۷۴۴	۰,۴۳۵	۶۹۳,۷۶	۱۳۷۱
۳۹۹,۵۲۳	۰,۴۲۵	۶۹۴,۸۴	۱۳۷۲
۳۹۹,۳۳۷۵۴	۰,۴۲۶	۶۹۵,۷۱	۱۳۷۳
۴۱۵,۵۷۳۹۸	۰,۴۲۷	۷۲۵,۲۶	۱۳۷۴
۴۲۵,۳۶۲۵	۰,۴۳	۷۴۶,۲۵	۱۳۷۵
۴۳۵,۳۷۲۷۲	۰,۴۲۲	۷۵۳,۲۴	۱۳۷۶
۴۳۱,۸۱۴۹	۰,۴۳	۷۵۷,۵۷	۱۳۷۷
۴۴۵,۸۸	۰,۴۳۲	۷۸۵	۱۳۷۸
*۴۸,۱۹۵۸۴	۰,۴۲۴	۸۱۲,۸۴	۱۳۷۹
۴۷۲,۸۶۱۸	۰,۴۲۲	۸۱۸,۱	۱۳۸۰

جدول شماره ۵  
شاخص بهره وری در ایران

شاخص بهره وری نیروی کار	شاخص بهره وری سرمایه	سال
۱۰۰	۱۰۰	۱۳۷۱
۱۰۳٫۸	۹۶٫۷	۱۳۷۲
۱۰۳٫۵	۹۱٫۰	۱۳۷۳
۱۰۴٫۴	۸۷٫۴	۱۳۷۴
۱۰۵٫۷	۸۵٫۱	۱۳۷۵
۱۰۷٫۲	۸۱٫۱	۱۳۷۶
۱۱۰٫۴	۸۰٫۵	۱۳۷۷
۱۱۰٫۷	۷۸٫۳	۱۳۷۸
۱۱۴٫۲	۷۸٫۴	۱۳۷۹
۱۱۷٫۱	۷۸٫۱	۱۳۸۰



## پاورقیها

- ۱- برای مطالعه جزئیات رجوع کنید به:
- ۲- حسین عیوضلو، «نظریه ای در تبیین الگوی نظری توزیع درآمد و ثروت در اسلام و تحلیلی پیرامون امکان تطبیق آن با نظام اقتصاد ایران»، طرح تحقیقاتی، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، صص ۷۵-۹۶.
- ۲- محمد باقر صدر، «اقتصاد ما»، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، ص ۱۴۲
- ۳- منظور آن قسمت از منابع طبیعی و ثروتهای عمومی است که فرد مجاز است در آن تصرف کند.
- ۴- این روایت از پیامبر گرامی اسلام است که از طریق امام باقر (ع) نقل شده است (رک. وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۷، احیاء الموات).
- ۵- از روایت امام صادق (ع) بر داشت شده است که فرموده اند: «هر آنچه که به آن دستور داده شده است و بدان وسیله غذای مردم فراهم شود و قوام زندگی آنان به آن وابسته باشد و به غیر آن نتوانند زندگی کنند (مانند خوراکیها، نوشیدنیها، پوشاک، تشکیل خانواده) و مالکیت و یا استفاده از منابع آنها به صلاح آنان باشد در این صورت خرید و فروش و نگهداری و استفاده و بخشش و امانت داری آن صحیح و حلال است» (رک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵)
- ۷ و ۶- از روایت امام صادق (ع) استفاده شده است که فرمودند: «ثروت را خداوند به عنوان امتیاز و کرامتی به کسی نداده است بلکه مال، مال خداست که در نزد اشخاص به عنوان امانت قرار داده شده است» (رک. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳)
- ۸- برای مطالعه جزئیات فتاوا رک. محمد باقر صدر، اقتصادنا، ص- ۵۶۸
- ۹- رک. مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، صص ۲۸۲-۲۷۴.
- ۱۰- رک. حسین عیوضلو، «بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارایی در نظام اقتصادی اسلامی»، رساله دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۶۵-۱۶۴.
- ۱۱- یکی از معاملات که پیامبر گرامی اسلام از آن نهی کردند «تلقی رکیان» است. عده ای از بازاریان در میان مسیر و نرسیده به شهر در دروازه های آن به استقبال کاروانهای تجاری می رفتند و معامله را خارج از مکان بازار انجام می دادند. حکم صریح پیامبر اکرم (ص) در این باره این است که «لا تلق و لاتشتر و لا تأکل منه» یعنی مسلمانان باید از خرید و فروش و حتی از خوردن کالاهایی که به این شیوه خریداری شده خودداری نمایند. (رک. وسائل الشیعه، ج ۱۶، بیروت، ص ۳۲۶)
- ۱۲- رک. منبع شماره ۱۰، فصول دوم و سوم.
- ۱۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه به رساله دکتری اقتصاد آقای دکتر کامران ندری با عنوان «مفهوم نرخ بهره طبیعی و نقش آن در سهمیه بندی اعتباری» که در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه امام صادق (ع) دفاع گردیده مراجعه شود.

- ۱۴- رک. دکتر کاظم صدر، «اقتصاد صدر اسلام»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، صص ۱۸۰-۱۷۱
- ۱۵- وسائل الشیعه، ۶۹۰، ص ۱۸۰
- ۱۶- وسائل الشیعه، ۶۹۰، ص ۱۵۹
- ۱۷- رک. منبع شماره ۱۰، فصل دوم
- ۱۸- در این زمینه می توان به فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر که در آن شرط بقای هر حکومت را این دانسته که توجه آن حکومت به عمران زمین بیش از گرفتن خراج باشد، اشاره نمود (ولیکن نظرك في عمارة الارض ابلغ من استجلاب الخراج، لان ذلك لا يدرك الا بالعمارة و من طب الخراج بغير العمارة أخرج البلاد و أهلک العباد ولم يستقم أمره الا قليلاً).
- ۱۹- دکتر مصطفی مهاجرانی، «جنگل و مرتع؛ راه پیمود، راه ناپیموده» مجلس و پژوهش، شماره ۱۲، سال دوم، آبان و آذر ۱۳۷۳، صص ۱۷۸-۱۷۲.
- ۲۰- رک. سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، شماره ۲، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸، صص ۳۱۶-۳۱۵.
- ۲۱- سازمان ملی بهره وری ایران، بررسی و وضعیت موجود بهره وری و ارائه برنامه ملی، بهار ۷۹
- ۲۲- رک دکتر علی رشیدی، انجمن اقتصاددانان ایران، «تحولات ساختاری اقتصاد ایران»، کنفدراسیون صنعت ایران، ۱۳۸۱
- ۲۳- فرهاد خداداد کاشی، «ساختار و عملکرد بازار، نظریه و کاربرد آن در بخش صنعت ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۷

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱- خداداد کاشی، فرهاد، «ساختار و عملکرد بازار، نظریه و کاربرد آن در بخش صنعت ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۷
- ۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۱
- ۳- رشیدی علی، انجمن اقتصاددانان ایران، «تحولات ساختاری در اقتصاد ایران»، انتشارات کنفدراسیون صنعت ایران، ۱۳۸۹
- ۴- سازمان ملی بهره وری ایران، بررسی وضعیت موجود بهره وری و ارائه برنامه ملی، ۱۳۷۹
- ۵- سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، شماره ۲، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸
- ۶- صدر کاظم، «اقتصاد صدر اسلام»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵
- ۷- صدر محمد باقر، «اقتصاد ما»، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷

- ۸- عیوضلو حسین، «نظریه ای در تبیین الگوی نظری توزیع ثروت و درآمد در اسلام و تحلیلی پیرامون امکان تطبیق آن با نظام اقتصادی ایران، طرح تحقیقاتی، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، ۱۳۸۰»
- ۹- عیوضلو حسین، «بررسی امکان سازگاری معیارهای کارایی و عدالت در نظام اقتصادی ایران»، رساله دوره دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹»
- ۱۰- مهاجران مصطفی، «جنگل و مرتع؛ راه پیموده، راه ناپیموده»، مجلس و پژوهش، شماره ۲۱۲ سال دوم، آبان و آذر ۱۳۷۳.